

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَكَايْنٍ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلٍ مَعَهُ رَيْثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»  
و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه، کارزار کردند؛ و در برابر آنچه در راه خدا به ایشان رسید، سستی نوزیدند و ناتوان نشدند؛ و تسلیم [دشمن] نگردیدند، و خداوند، شکیبایان را دوست دارد.

[آل عمران/ ۱۴۶]

ما به نام اتحاد اسلام قیام کردیم و به این جمعیت مقدس منتسبیم؛ ولی باید دانست که طرفدار اسلامیم به معنای ساده‌ی آن (انما المومنون اخوه). یعنی می‌گوییم در این موقع که تشتت کلمه و اختلاف اسلامیان، مسلمانان را به دست دشمن عمومی، ذلیل و زبون کرده، نباید مسلمانان برادر کشی کنند و به نام شیعه و سنی و سایر عناوین مذهبی به جان هم افتاده و مجال استفاده را به دشمن عمومی بدهند.

روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲۸، ص ۲





## اهداف و احوالات نهضت جنگل در بیان میرزا کوچک

قربان صحرائی چاله سرابی<sup>۱</sup>

متن زیر، بر اساس گفتگوها و مکاتبات میرزا کوچک به عنوان پاسخ به سوالاتی درباره اهداف و نقشه راه جنگل از متون مربوط به نهضت جنگل و بر اساس یک الگوی گفتگو محور تنظیم شده است. سوالات زیر از جانب نویسنده و همه جواب‌ها از مستندات مربوط به بیانات و پیام‌های سردار جنگل است که مطالعه آن می‌تواند به شناخت فضای کلی نهضت و روحیات و منویات میرزا کوچک کمک نماید.

جنگل را فقط و فقط برای رسیدن به این هدف تشکیل داده‌ام. ما برای خدمت به وطن و ملت حاضر هستیم.<sup>۲</sup> «پایه عملیات خودمان را روی این دو سه پایه [گذاشته‌ایم]: اخراج انگلیس‌ها از ایران، لغو کاپیتولاسیون و قراردادهای ... پس از کسب موفقیت در اطراف این چند ماده و تصرف مرکز، آن وقت بقیه مواد مرام را با تطبیق به روحیات مردم، آن‌هم به قدری که ممکن است اجرا کنیم»<sup>۳</sup>

به عنوان مؤسس و بنیانگذار نهضت جنگل، هدف اصلی شما از تشکیل این نهضت چیست؟

پاسخ: «آسایش عموم و نجات طبقات زحمتکش ممکن نیست مگر به تحصیل آزادی حقیقی و شادی افراد، انسانی بودن نژاد و مذهب و اصول زندگی و حمایت اکثریت به واسطه منتخبین ملت»<sup>۴</sup> «من فقط برای حفظ و تأمین شغل، سرمایه، عصمت، مذهب تمام ایرانیان زندگی می‌کنم و جمعیت

۱. کارشناس ارشد تاریخ اسلام.

۲. کاشی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۵۸.

۳. کاشی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۹۳.

۴. فخرائی، ۱۳۶۸، ص ۳۱۰.

با توجه به اینکه شما یک عالم دینی و روحانی هستید، برای چه عبا و عمامه را کنار گذاشته، لباس رزم پوشیده و و به مبارزه علیه ظلم و ستم و استبداد قیام کرده‌اید؟ پاسخ: «استقلال مملکت در خطر است. تجاوزات اجنبی هر روز گسترده‌تر می‌شود. مرتجعین داخلی همچنان به انداختن مال و غارت و یغماگری مشغول هستند. ما برای نجات ملت و مملکت قیام کرده‌ایم. وطن به کمک و فعالیت‌های جوانانی چون شما احتیاج دارد که برای نجاتش به پا خیزند.»<sup>۱</sup> «ما خواهیم مُرد و اگر شربت شهادت بنوشیم چه بهتر که زندگی ابدی و سعادت سرمدی را حائز شده‌ایم و اگر موفق شدیم دشمن را شکست بدهیم زهی افتخار؛ زیرا در عین فاتحیت به همه نشان می‌دهیم در مقابل یک جمعیت که به حق برای آزادی و استقلال مملکت خویشتن قیام کرده باشند هیچ زورمندی قادر نیست. شما باید بدانید این لباس مجاهدت را که ما به تن کرده‌ایم کفن ما است و قبر ما در شکم جانوران درندگان است. ما برای القاب و جاه و مال مسلح نشده‌ایم. ما زوال ملت و اضمحلال مملکت را طالب نیستیم، ما برای قطع آبادی اجانب و مزدوران آن‌ها که سال‌هاست خون ما را مکیده و ما را به این روز سیاه نشانیده‌اند و احساسات وطن‌پرستی را در ما کشته و می‌خواهند ما را غلام خود نمایند جمع شده و اسلحه به دست گرفته‌ایم.»<sup>۲</sup>

**این اهداف درست است ولی مقصود شما از تحمل این همه مشقت و سختی طی این سالیان طولانی چیست؟**

پاسخ: «من وقتی به طرف جنگل می‌رفتم و خرابه بر آبادی و زندگی بربریت را بر تمدن ترجیح دادم که دیگر جای قدمی در تمام شهرهای ایران برای یک مرد آزاد ایرانی نبود. ناچار از تهران فرار و به کوه‌ها و بیغوله‌های گیلان پناه بردم. این دسته‌ی حاضر که سران جنگل می‌باشند با من همفکر و همکاری و جانبازی نمودیم. من روزی یک مرتبه اصلاح کرده و حمام می‌کردم. اینک زائد از چندین ماه مقرض و تیغ به سر و صورتم تماس نیافته و حمامی جز آب رودخانه‌ها و چشمه‌سارها ندیده‌ام. روس و انگلیس در این گوشه‌ی جنگل

ایران هم ما را راحت نگذاشته‌اند. مکرر به وسیله‌ی ایرانیان خائن و یاقزاقان روسی به ما حمله کردند. الحمدلله موفق به فناء ما نشدند و کار ما رونق گرفته و تمام گیلان در حیطة اقتدار ما است. از جهات لشکری و نیرو، توفیق ما مسلم است.»<sup>۳</sup> «ایران میدان غرض‌رانی اجانب و متعديان عالم بشری بوده و حیات اجتماعی ما دستخوش استفاده سرمایه‌داران خارجی و منفعت‌پرستان داخلی است. ضعف و لاابالی‌گری زمامداران دوره‌های متوالیه‌ی مرکز، لزوم اصلاحات داخلی را تأیید و هرگونه قیام و نهضتی را که متضمن اصلاحات اساسی مملکت باشد، شروع می‌سازد. من و یارانم در مشقت‌های فوق‌الطافه‌ی چندین ساله هیچ مقصودی نداشته و نداریم جز حفظ ایران از تعرضات و فشار خارجی و خائنین داخلی و تأمین آزادی و آسایش رنجبران ستم‌دیده‌ی مملکت و استقرار حکومت ملی. و همه فداکاری بنده و احرار جنگل برای همین مقصود عالی بود و بس. من علاج قطعی و نجات واقعی ملت را از کلیه مصائب، به موفقیت انقلاب مقدس می‌دانم.»<sup>۴</sup> «ما چیز مهم و بزرگی نمی‌خواهیم. بایستی بیگانگان از کشورمان خارج شوند و امنیت و عدالت به طور مساوی بین مردم و شهر و جنگل برقرار شود.»<sup>۵</sup>

**اوایل نهضت شما، یارانتان معمولاً به نقاط سوق‌الجیشی روس‌های متجاوز شبیخون می‌زدند. لطفاً برخی از این عملیات‌ها را توضیح دهید.**

پاسخ: «در ابتدای نهضت [هر وقت قشون روس تزاری می‌خواست به جنگل برای سرکوبی ما بیاید، قبل از حرکت از رشت، اهالی ستم‌دیده‌ی رشت، به هر وسیله‌ای که بود به ما اطلاع می‌دادند که قشون روس برای سرکوبی شما حرکت کرده، در آن موقع که عده‌ی ما حداکثر هفده. هجده نفر بیشتر نبود؛ به ناچار به نقاط خیلی دور جنگل پناهنده می‌شدیم. علت عمده که نتوانستیم در آن تاریخ بر عده خود بیفزاییم، فقدان اسلحه بود. همین هفده نفر، هرکدام یک سیستم مختلف اسلحه داشتیم. بالاخره از رشت اطلاع دادند که سیصد قزاق سوار روس تزاری برای سرکوبی ما حرکت کرده است. این دفعه

۱. کاشی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۳۳.

۲. گیلک، ۱۳۷۱، ص ۳۳.

۳. املشی، ۱۳۵۲، ص ۲۲.

۴. جنگلی، میرزا اسماعیل، ۱۳۵۷، ص ۲۳۲.

۵. کاشی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۷۵.

پیشرفت مقاصد وطن فروشان است. به این جهت است که دو اسبه به ما می‌تازند تا هرچه زودتر ما را از بین ببرند.»<sup>۳</sup>

**به نظر می‌رسد شما استعمار پیر انگلیس را اساس بیشتر گرفتاری‌های ایران می‌دانید، درست است؟**

پاسخ: «عملیات غیر ارادی این دشمن حقیقی ما را، هر طفل غیربالغی هم فهمیده است که انگلیس است که در ایران مداخله می‌کند و مداخله او سبب مداخله کردن دیگران شده است. عمده انگلیس است که نمی‌گذارد ایران به اصلاحات مشغول شده و استقلال خود را محکم نماید»<sup>۴</sup>

**اخیراً دولت آمریکا با شعار آزادی خواهی به میدان آمده و از انگلیس حمایت می‌کند. نظر شما چیست؟**

پاسخ: «متأسفانه قوای دولت ایتازونی<sup>۵</sup> که حق‌کشی عمال انگلیسی‌ها را در شرق به خوبی می‌بیند، باز به حمایت او، داخل در جنگ می‌شود؛ اُف بر این دعوی دروغی.»<sup>۶</sup>

**آیا ممکن است روزی دست کمک و نیاز به سوی روسیه و انگلیس و یا جای دیگر دراز کنید؟**

پاسخ: «بنده به حول و قوه الهی مستغنی از هرگونه کمک و معاضدت بوده، هیچ چیز بر عزم آهنین و عقیده متین و استوارم رخنه پذیر نیست.» (جنگلی، میرزا اسماعیل، ۱۳۵۷، ص ۲۳۸).

**پس از انحلال اتحاد اسلام، شایعه کرده‌اند که شما روس‌ها را وارد ایران نموده‌اید، آیا شما به دشمن اعتماد کرده‌اید؟!**

پاسخ: «اعتماد به دشمن هم‌کیش نمی‌توان داشت، تا چه رسد به دشمنان بیگانه؛ خصوصاً دشمنان سیاسی که درخت دوستی آن‌ها جز میوه دشمنی حاصل دیگری ندارد. به علاوه تجربه به ما آموخت که بیگانگان تا صد در صد منافع خود را در نظر نگیرند با هیچ‌کس روی دوستی و آشنائی

را تصمیم گرفتیم که خود را در جنگل‌های اطراف «زیده» پنهان کنیم. این سوارها تا زیده آمدند و شب را در عمارت معین‌الرعیایا ماندند. ما هفده نفر اطراف جنگل‌های دور زیده را محاصره کردیم و به همه دستور دادم تا موزر من به صدا در نیاید ابدأ تیری خالی نکنید. سوارها که عده‌شان سیصد نفر بود، علاوه بر تفنگ‌هایی که داشتند، مقدار زیادی مهمات با خود آورده بودند. همین‌که خواستند از زیده حرکت کنند و به تعقیب ما بیایند. غافل از اینکه تله‌ای برای آن‌ها گسترده شده بود. البته سوار موقعی که باید بر اسب سوار شود، تفنگ را به هیکل خود می‌اندازد و عده‌ی سیصد نفری آن‌ها باید به فرمان صاحب سوار شوند. همین‌که خواستند سوار شوند یک پا را در رکاب گذاشتند و پای دیگر هنوز در هوا بود و به رکاب دیگر نرسیده. موزر من صدا کرد و از اطراف شلیک شد. روس‌ها دیدند از اطراف شلیک می‌شود. دیدند به کلی در محاصره هستند. دستور داده بودم حتی المقدور اسب‌ها را هدف قرار دهید. در تیراندازی اول در حدود هفده هجده اسب کشته شد و شلیک ادامه داشت. تمام سیصد سوار بدون درنگ تسلیم شدند. دو سه نفر را مأمور کردم، مخصوصاً آن‌هایی که مسلح‌اند، تمام اسلحه‌های آن‌ها را بگیرند و خودشان را پیاده، بدون اسلحه روانه شهر کنند.»<sup>۱</sup>

**چرا قیام جنگل این همه مورد کینه و عداوت و دشمنی سرسخت استبداد داخلی و استکبار و استعمار خارجی روس و مخصوصاً انگلیس است؟**

پاسخ: «در قرون اخیر سیاست جهانگیرانه همسایگان همسایه‌آزار ما دولت انگلیس و حکومت جابر تزاری روس ضمیمه مظالم و تجاوزات فرمانروایان جاه‌طلب ایران شده برای اسارت این قوم مظلوم در صحنه این خرابه‌های غم‌انگیز عرض اندام نموده، سهل‌ترین وسیله اسارت این کشور و مردم آنرا همدستی و تقویت سلاطین جور و امراء و بزرگان جبار دانسته، تسلط آنان را به سایرین تأیید و تقویت می‌کنند.»<sup>۲</sup> «جنگل نقطه اتکاء آزادمردان و بزرگترین سدّ

۱. درویش، ۱۳۸۹، ص ۸۶.

۲. فخرائی، ۱۳۶۸، ص ۲۴۷.

۳. فخرائی، ۱۳۶۸، ص ۲۰۲.

۴. کاشی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰.

۵. مراد دولت آمریکا است. ر.ک: لغتنامه دهخدا.

۶. جنگلی، میرزا اسماعیل، ۱۳۵۷، ص ۸۴.

در این روزگار به شکل‌های مختلف به اشخاص حقیقی و حقوقی داده می‌شود چیست؟ خود شما مایل هستید با چه لقب و یا نامی خطاب شوید؟

پاسخ: «یکی از علل خرابی‌های ما تقید به القاب و احترامات بی‌مأخذ صوری است که غالباً تمایل به آن‌ها، تولید مفاسد کثیره می‌کند. هرکس که دو قدم در راه اصلاح مملکت برداشت و یا دو کلمه برای آزادی ملتی نطق و تحریر کرد و یا دوروزی به خدمات نوع مشغول شد، فوراً یک لقب و یا عنوان بزرگی از خود یا دیگران به او چسبیده و همان سبب کبر و غرور گشته، بلکه تهیه وسایل و تجملی که لازمه‌ی آن لقب است، آنرا از طریق و حق و صواب منصرف می‌کند. کسی که مقصودش خدمت به وطن و ملت و نیتش خالص است، نباید مقید به این پیرایه‌ها گردد. این بنده، که شاید اغلب بدانند، قصدم خدمت به دیانت و ایرانیت است، نه برای تحصیل جاه و جلال، از عموم تمنا می‌کنم که از القاب‌های معموله معاف داشته، به همان اسم خودم مخاطبم دارند و در این کار منتهی بزرگ به کوچک بگذارند.»<sup>۱</sup>

توصیه شما به کج‌اندیشان و کزراه پیشگان وطنی که مدتی تحت فرمان شما بودند و بعد به شما و ملت خیانت کردند چیست؟

پاسخ: «[می‌گویم] مسلم است که پایه احساسات شما و تصورات شما و عملیات شما، مبنی بر شهوت‌رانی و جاه‌طلبی و ضعیف‌کشی و دشمن‌پروری است. در این صورت هیچ‌وقت ایرادات ما، منطق ما و ادله‌ی ما، آتش حرص و آز و لهیب و تنعم و التذاذ شما را منتفی نخواهد ساخت. محقق است کسی که در محیط تفکراتش فتنه و فساد و خودستایی و عناد و غارت و شرارت و چپاول و یغما است و منظره‌ی دیگری را فاقد است، نمی‌تواند قضایای اجتماعی و مسائل نوعی و مصالح مملکتی را به دیده دقت و اهمیت بنگرد. یقین است کسی که آمالش بر خرابی خانه و ویرانی کاشانه ضعفا و زبردستان است، ممکن نیست

نشان نمی‌دهند، تا چه رسد به کمک‌های جانی و مالی. با این وصف آن‌ها برای پیشرفت منظور سیاسی و منافع خویش است که می‌خواهند به نام دوستی و حمایت کردن از راه دلسوزی به ما نزدیک شده تا بهتر و آسان‌تر بتوانند ما را نابود ساخته و منظور سیاسی و اقتصادی خویش را بدست آورده باشند، پس مسلم است که منافع بیگانه صد در صد به ضرر و نابودی ما خواهد بود.»<sup>۲</sup>

به نظر شما ممکن است ایرانیان اصول بلشویک<sup>۳</sup> را بپذیرند؟ نظرتان درباره نفوذ بیگانگان به امور سیاسی ایران چیست؟

پاسخ: «ملت ایران حاضر نیست برنامه و روش بالشوئیسم را قبول کند؛ زیرا این کار عملی نیست و ملت را به طرف دشمن سوق می‌دهد.»<sup>۴</sup> «تاریخ نشان می‌دهد که چندبار سیاست دول بیگانه در کشورمان نفوذ کرد، اما همین که خواستند احساسات ملی و آزادمنشی ایرانی را منکوب کنند، مساعی‌شان عقیم ماند. اکنون که ملت ایران به خوبی لذت آزادی را درک کرده، دور ساختنش از این نعمت غیرقابل تصور است.»<sup>۵</sup>

سرمشق و الگوی شما بر چه مبنا و ایدئولوژی استوار است؟

پاسخ: «من به فتح و فیروزی فردای خود ابداً مأیوس نیستم. خداوند متعال به وسیله محمد صلی‌الله علیه و آله و سلم به ما خبر داد به ساعده‌ی قلیل به جمعیت کثیر غلبه کرده‌اند. ما از سرسلسله مجاهدین اسلام؛ یعنی حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام سرمشق می‌گیریم؛ چه اقتدار بیزید و دولت اموی کم‌تر از دولت تزار و جمعیت آن سرور نیز، بیشتر از این جمعیت نبود و گرچه در ظاهر حضرت امام حسین علیه‌السلام مغلوب شد، ولی نام نامی و اسم گرامی آن بزرگوار قلوب آزادی‌خواهان را همیشه به نور خود منور داشته است.»<sup>۶</sup>

نظر شریف شما در مورد القاب و عناوین و نام‌هایی که

۱. طاهری، ۱۳۵۹، ص ۱۱۳.

۲. بالشوئیک یا بلشویک به زبان روسی یعنی اکثریت. بلشویک عنوان حزبی به رهبری لنین بود و عنوان ایدئولوژی آنان بولشوئیسم بود.

۳. فخرائی، ۱۳۶۸، ص ۲۷۹.

۴. فخرائی، ۱۳۶۸، ص ۲۸۳.

۵. گیلک، ۱۳۷۱، ص ۳۳.

۶. روزنامه جنگل، ش ۲۴، چهارشنبه بیست و سوم ربیع‌الثانی ۱۳۳۶.

فهمید که بوده‌ایم و چه می‌خواستیم و چه کرده‌ایم ... اما وقتی از افکار و انتظارات‌شان نتایج تلخ مشاهده کردند، آن وقت است که ندامت حاصل خواهند نمود و قدر و منزلت ما را خواهند دریافت.»<sup>۴</sup>

**به طور کلی ارزیابی‌تان از قیام جنگل چیست؟ چه خطری انقلاب‌هایی نظیر قیام جنگل و مشروطه را تهدید می‌کند؟**

پاسخ: «[اولاً] ما نمی‌توانیم افتخارات انقلابی خود را که طی چهارده سال کوشش و فداکاری به دست آورده‌ایم، یکباره محو کنیم و به حقوق ملت ایران خیانت ورزیم. ... [ثانیاً] ما معتقدیم که قدم اول را برای آزادی ایران برداشته‌ایم، لیکن خطر از جانب دیگر به ما روی آورده است. یعنی اگر از مداخله خارجی در امور داخلی جلوگیری نشود، معنیش این است که هیچ وقت به مقصود نخواهیم رسید.»<sup>۵</sup>

#### منابع:

املشی، بهاء‌الدین، ۱۳۵۲، گوشه‌هایی از تاریخ گیلان، چاپخانه بهمن.  
جنگلی، میرزا اسماعیل، ۱۳۵۷، قیام جنگل، یادداشت‌های میرزا اسماعیل جنگلی، با مقدمه اسماعیل رائین، جاویدان.  
درویش، جهانگیر، ۱۳۸۹، خاطرات سعداله خان درویش، رئیس مجاهدین نظامی جنگل، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، دوم.  
دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه.  
طاهری، محمدجعفر، ۱۳۵۹، شعله‌ی شمع جنگل، شمه‌ای از زندگی میرزا کوچک خان، علی طاهری، اول.  
فخرائی، ابراهیم، ۱۳۶۸، سردار جنگل، جاویدان، دوازدهم.  
کاشی‌زاده، حامد، ۱۳۹۱، میرزا کوچک خان جنگلی و ایدئولوژی نهضت جنگل، میراث ماندگار، اول.  
گیلک، محمدعلی، ۱۳۷۱، تاریخ انقلاب جنگل به روایت شاهدان عینی، گیلکان، اول.  
دوماهنامه حوزه، ویژه میرزا کوچک جنگلی، شماره مسلسل ۱۱۱-۱۱۲، سال نوزدهم، شماره سوم و چهارم، (مرداد، شهریور، مهر و آبان ۱۳۸۱)، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم  
روزنامه جنگل، شماره ۲۴، چهارشنبه بیست و سوم ربیع‌الثانی ۱۳۳۶.

به تبلیغات عدالت شعارانه متمایل شده یا به اظهارات یک جمعیت آزادی‌خواه واقعی گذارد ... از آه دل مظلومان بپرهیز [ید]. از مکافات دهر بر حذر باشید. نتیجه سینات اعمال شما و امثال شماست که دشمنان خارجی را بر ما چیره و خائنین داخلی را به ما خیره ساخته و بالاخره، قهر و غضب الاهی فنای شما و ما را با قلم تقدیر خواهد نوشت ... شاید در نهاد شما خازن تقدیر، ودایعی سپرده و بقای شما را برای تلافی ماسبق لازم شمرده است. از شما هم با عزم و حزم، از این موهبت عظمی استفاده نموده، با قلبی پاک و نیتی تابناک، دعوت یک جمعیت آزادی‌خواه را اجابت نمائید. ... شما را دعوت می‌کنم با تغییر عقیده و حسن نیت و با مقصد وطن‌پرستی و شرافت‌دوستی به طرفم گرائید و پیشانی خود را برای بوسه‌های تشکرآمیزم حاضر سازید. خدا را در این مدعیاتم گواه می‌گیرم.»<sup>۱</sup>

**آیا به فکر انتقام از مخالفین و بی‌وفایان به خویش هستید؟ در صورت ندامت فتنه‌گران، آیا آنان را می‌پذیرید؟**

پاسخ: «یقین است اگر رجال نامی و عناصر مقتدر، با صداقت پیش آیند، نتیجه عملیات چند ماهه‌ی آنان بر خدمات چندین ساله‌ام سبقت می‌جوید. سلامت نفسم هیچ‌وقت آثاری از بغض و کینه یا حس انتقام درباره‌ی مخالفین جاهلم از بنده باقی نمی‌گذارد و همه وقت حاضر در صورت صدق و صفا، آغوش برادرانه را برای پذیرایی آنان باز نمایم.»<sup>۲</sup>

**نظرتان درباره نگاه مردم و همراهی آنان و آینده نهضت چیست؟**

پاسخ: «معروف است که «النعمة اذا فقدت عرفت» مردم همه منتظرند روزگاری را ببینند که از جمعیت ما اثری به میان نباشد. پس از آنکه نتایج تلخی از سوء افکار و انتظار خود دیدند، آن وقت دو دست ندامت به سر کوفته، قدر و هویت ما را می‌فهمند.»<sup>۳</sup> «افسوس می‌خورم که مردم ایران هنوز قدر این جمعیت را نشناخته‌اند؛ البته بعد از محو ما خواهند

۱. جنگلی، میرزا اسماعیل، ۱۳۵۷، ص ۲۳۵.

۲. جنگلی، میرزا اسماعیل، ۱۳۵۷، ص ۲۳۸.

۳. جنگلی، میرزا اسماعیل، ۱۳۵۷، ص ۲۴۹.

۴. گیلک، ۱۳۷۱، ص ۵۰۴.

۵. فخرائی، ۱۳۶۸، ص ۲۸۲.